

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۴،
بهار و تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۰-۱۲۳

بررسی کتاب مفقود معالم العترة النبویه جنابذی (د ۶۱۱) *

دکتر منصور داداش نژاد

عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Email: m.dadash@yahoo.com

چکیده

تاریخ نویسی اهل سنت در موضوع زندگانی ائمه اطهار(ع)، هم پای شیعیان آغاز شده و پیوسته استمرار داشته است. سیر تطور این جریان که به تناسب تغییرات فرهنگی جهان اسلام فراز و فرود داشته، نیازمند بررسی‌های جدی است. این مقاله صرف نظر از پرداختن به مباحثی مانند چرایی، چگونگی و بستر تولید این نوشته‌ها، درصدد است به صورت موردی، کتاب مفقود و کمتر شناخته شده معالم العترة النبویه جنابذی، دانشمند سنی مذهب قرن ششم، را بررسی کند. اکثر گزارش‌های کتاب جنابذی به کتاب کشف الغمة فی معرفة الائمة اربلی (د. ۶۹۲) دانشمند معتبر شیعی مذهب، راه یافته است. تاریخ‌نگاری جنابذی و جایگاه وی در منابع بعدی، در این مقاله بررسی شده است تا فضای روشن‌تری از تأثیر متقابل تأثر منابع شیعی و اهل سنت به دست آید.

کلید واژه‌ها: جنابذی، معالم العترة، تاریخ‌نگاری

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۰۳/۰۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۹/۰۸/۱۰.

مقدمه

دانشمندان اهل سنت به گونه‌های مختلف به زندگانی دوازده امام شیعیان پرداخته، آثاری در این زمینه تدوین کرده‌اند. این آثار برخی مستقل‌اند و موضوع اصلی آنها شرح حال، تاریخ و مناقب ائمه است و برخی دیگر به‌گونه غیر مستقل به زندگی امامان پرداخته‌اند. بررسی کتاب‌های حدیثی، تراجم و تاریخ اهل سنت، نشانگر آن است که شرح حال تعدادی از ائمه در این کتاب‌ها درج شده است. کتاب‌های حدیثی که بابی را به فضایل و مناقب اصحاب رسول خدا اختصاص داده‌اند، مناقب امام علی(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و فاطمه زهرا(س) را نوشته‌اند. کتاب‌های تراجم نیز که با تکیه بر شرح حال محدثان و حاملان معارف نبوی تدوین شده، در بر دارنده شرح حال شش امام اول شیعیان می‌باشد. کتاب‌های تاریخی نیز به تناسب حضور سه امام اول و امام هشتم در حوادث تاریخی، آگاهی‌ها و اخبار مربوط به ایشان را منعکس کرده‌اند. علاوه بر نوشته‌های بالا که به گونه غیر مستقل به شرح حال ائمه پرداخته‌اند، دانشمندان اهل سنت از قدیم کتاب‌هایی را مستقلاً در موضوع تاریخ و مناقب اهل بیت و امامان شیعه تدوین کرده‌اند که از جمله قدیم‌ترین این کتاب‌ها که باقی مانده *الذریة الطاهره* دولابی (د ۳۱۰) و *مناقب الامام علی بن ابی طالب*(ع)، ابن مغزلی (د ۴۸۳) است. بعدها این نوشته‌ها توسعه یافت به گونه‌ای که در قرن ششم حجم قابل توجهی یافت و گاه منابع شیعی را زیر تأثیر قرار داد و آنها را وام دار خویش ساخت. یکی از کتاب‌هایی که در این قرن تدوین شده، کتاب *مفقود معالم العترة النبویة* جنابذی است که به شرح حال و مناقب ائمه اطهار پرداخته است. در این نوشتار به منظور به دست دادن نمونه‌ای از تاریخ نگاری اهل سنت در موضوع زندگانی ائمه به بررسی این کتاب بر اساس موارد برجای مانده از آن در لابلای کتاب‌های بعدی پرداخته‌ایم.

شرح حال جنابذی

نام و نسب نویسنده *معالم العترة النبویة*، چنین ثبت شده است: عبد العزیز بن محمود بن

مبارک جنابذی، کینه‌اش ابومحمد و لقبش تقی‌الدین بود و به ابن اخضر بزّاز شهرت داشت. خاستگاه او جنابذ (=گناباد) بود^۱، اما در بغداد به سال ۵۲۴ زاده شد و در همان جا بالید. یاقوت محل سکونت وی را در شرق بغداد می‌نویسد (یاقوت حموی، ۱۶۵/۲). جنابذی ۸۷ سال عمر کرد و در سال ۶۱۱ ق در بغداد درگذشت (ابن اثیر، ۳۰۵/۱۲). ذهبی با تعبیر مُعَمَّر از او یاد کرده است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۳۱/۲۲؛ همو، تاریخ الاسلام، ۷۴/۴۴).

شاگردان وی مانند ابن دبیثی (د ۶۳۷)، ابن نجّار (د ۶۴۳) - که هر دو ذیلی بر تاریخ بغداد نوشته‌اند- و یاقوت حموی (د ۶۲۶) در معجم البلدان شرح حال وی را نوشته‌اند. ابن دبیثی گزارشی از فعالیت‌های علمی وی را به دست داده و او را شیخی ثقه و مُکثَر معرفی کرده است که از کودکی در پی استفاده علمی از مشایخ بود (ابن دبیثی، ۱۳۷/۴ - ۱۳۹). به نوشته ابن دبیثی او به اندازه‌ای در این عرصه فعال بود که در میان هم‌تایان خود، بیشترین سماع را داشت و به مدت شصت سال پیوسته در صدد نقل روایت و جمع حدیث بود. ذهبی از او با عنوان «حافظ عراق» یاد می‌کند و می‌نویسد که به دانش حدیث عنایت تام داشت (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۷۴/۴۴). جنابذی خط نیکویی داشت و کتاب‌های بسیاری را به خط خود استنساخ کرد (ابن مفلح، ۱۸۲/۲). او در مسجد جامع القصر بغداد حدیث تدریس می‌کرد و طی سالیان متمادی شاگردان بسیاری در همین مکان از او حدیث آموختند. شاگرد دیگر جنابذی، ابن نجار نیز شرح حال او را نوشته که اینک موجود نیست و از جمله بخش‌های مفقود ذیل ابن نجار بر تاریخ بغداد است، اما گزارش آن در کتاب‌های دیگر مانند طبقات الحنابلة ابن رجب (کتاب الذیل علی طبقات الحنابلة، ۷۹/۴) و تاریخ الاسلام ذهبی (ذهبی، ۷۵/۴۴) آمده است.

۱. گناباد، شهری در خراسان که از باختر به تون (فردوس) و از شمال به تربت حیدریه و از خاور به بخش رشتخوار و از جنوب به قاین محدود است.

از جمله مشایخ جنابذی، ابوبکر محمد بن عبد الباقي انصاری، ابوالبركات عبد الوهاب بن مبارك انماطی، ابو محمد عبد الجبار بن احمد بن توبه، ابو منصور محمد بن عبد الملك بن خيرون، ابو سعد احمد بن محمد بغدادی بوده‌اند. او شاگردان بسیاری داشته که از وی مطالبی را نقل کرده‌اند مانند ابن دبیثی، ابن نقطه، ابن نجار، برزالی و فرزندش علی بن عبد العزیز جنابذی (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۷۵/۴۴).

مذهب

جنابذی به لحاظ مذهبی، حنبلی مذهب بود و یاقوت حموی شاگرد وی، او را متعصب در مذهب احمد بن حنبل معرفی می‌کند (یاقوت حموی، ۱۶۵/۲). ابن رجب (د ۷۹۵)، نیز در ذیل بر طبقات الحنابله که در صدد معرفی حنبلی مذهب است، شرح حال نسبتاً بلندی از وی نوشته است (ابن رجب، ۷۹/۴). شیخ آقابزرگ در *الذریعه* برای کتاب *معالم العتره النبویه* عنوانی قرار داده است و بر این که نویسنده آن حنبلی مذهب است تصریح می‌کند؛ با این حال می‌نویسد کتاب *معالم العتره* را باید از کتاب‌های شیعیان دانست، زیرا در آن، حقایق بیان و از تعصب اجتناب شده است (آقا بزرگ، ۲۰۱/۲۱). رجالیان اهل سنت او را ثقه و صالح معرفی کرده‌اند (ذهبی، *تذکره الحفاظ*، ۱۱۸/۴).

کتابها

شاگردان وی مانند ابن نجار و ابن دبیثی اظهار کرده‌اند که وی بسیار پی‌گیر نقل و جمع حدیث بوده، کتاب‌ها و اجزای بسیاری در اختیار داشته و در این راه هزینه بسیاری نیز صرف کرده است. همچنین درباره او می‌نویسند که در آن عصر وی در کثرت مسموعات سرآمد همگان بود و شناخت کامل و کافی نسبت به مشایخ حدیث داشت. او به عنوان حافظ عراق در عصر خویش شناخته می‌شود که در زمینه‌های گوناگون دست به تدوین کتاب زد. صفدی می‌نویسد که وی دارای تصانیف مفید بود و حلقه درسی در جامع القصر (در بغداد) داشت (صفدی، ۵۵۸/۱۸).

کتاب‌هایی که از وی به جا مانده عبارت است از: تنبیه اللیب و تلقیح فهم المریب فی تحقیق أوهام الخطیب، المقصد الارشد فی ذکر من روی عن الامام احمد، تلخیص وصف الأسماء فی اختصار الرسم و الترتیب (کخاله ۲۶۲/۵)، الإصابه فی ذکر الصحابه و أبناء الصحابه، فضائل شعبان، طرق جزء الحسن بن عرفه.

نویسندگان اهل سنت مانند ابن دبیثی و ابن نجار که با جنابذی آشنا بوده؛ شرح حال وی را نوشته و از کتاب‌های وی یاد کرده‌اند، متأسفانه از کتاب معالم العترة النبویه یاد نکرده‌اند. حاجی خلیفه در کشف الظنون از این کتاب جنابذی نام برده و نام آن را چنین نوشته است: معالم العترة النبویه و معارف اهل البيت الفاطمیه (حاجی خلیفه، ۱۷۲۶/۲). اسماعیل پاشا در هدیه العارفين اظهار داشته که یاقوت حموی این کتاب را از تألیفات جنابذی شمرده است (اسماعیل پاشا بغدادی، ۵۷۹/۱)، اما در معجم البلدان از این کتاب جنابذی یاد نشده، تنها بر این نکته که وی در زمینه حدیث مصنفات نیکویی داشته تصریح شده است (یاقوت حموی، ۱۶۵/۲). در معجم الادباء نیز شرح حالی برای او ثبت نشده است.

دو تن از نویسندگان پس از جنابذی که عبارتند از اربلی (د ۶۹۲ ق) و سمهودی (د ۹۱۱ ق)، ضمن استفاده از کتاب وی از عنوان نوشته او نیز یاد کرده‌اند. اربلی نام کامل کتاب را در کشف الغمه چنین یاد کرده است: معالم العترة النبویه العلییه و معارف أئمة أهل البيت الفاطمیه العلوییه (اربلی، ۴۲۷/۱). سمهودی نیز در جواهر العقدين چندین بار از این کتاب با دو تعبیر معالم العترة النبویه (سمهودی، ۱۱/۲-۱۲) یا معالم العترة الطاهره یاد می‌کند (همو، ۳۵۶/۳، ۴۱۵). آقا بزرگ در الذریعه، عنوان کتاب وی را چنین ثبت کرده است: معالم العترة النبویه العلییه و معارف الائمة من أهل البيت الفاطمیه العلوییه (آقا بزرگ، ۲۰۰/۲۱).

اهمیت و جایگاه کتاب

به نظر می‌رسد نویسندگان پس از جنابذی از این کتاب استقبال کافی نکرده‌اند.

نویسندگان اهل سنت مانند محمد بن طلحة شافعی (د ۶۵۲ ق) نویسنده *مطالب السؤل*؛ سبط بن جوزی (د ۶۵۴ ق)، نویسنده *تذکره النواص*؛ محب طبری (د. ۶۹۴ ق)، نویسنده *ذخائر العقبی*؛ زرندی (د ۷۵۷ ق)، نویسنده *معارج الوصول و جزری* (د ۸۸۳ ق) نویسنده *اسنی المطالب* که در زمینه تاریخ و زندگانی ائمه کتاب نوشته‌اند، از این کتاب بهره‌ای نبرده‌اند. جنابذی در پایتخت جهان اسلام یعنی بغداد می‌زیست (نه شهری دور افتاده از مبادلات فرهنگی)، بنابراین شرایط رواج کتابش موجود بوده است. ممکن است این کتاب در شمار آخرین فعالیت‌های فرهنگی وی بوده که فرصت رواج گسترده آن در زمان حیات نویسنده فراهم نیامده است، به گونه‌ای که حتی نزدیکترین شاگردان وی از این کتاب یاد نکرده‌اند.

جنابذی از جمله کسانی بوده که شاگردان شیعی مذهب نیز داشته است. دو تن از این شاگردان عبارتند از: یحیی بن احمد حلی (۶۰۱-۶۸۹ ق) نویسنده *الجامع للشرایع* که در ایام طفولیت از جنابذی سماع کرده است (سیوطی، ۳۳۱/۲) و سید جلال الدین عبد الحمید بن فخر موسوی حایری (د ۶۸۴ ق) (ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۱۸۶/۵۱)، اما این دو دانشمند شیعی نیز واسطه نقل و پراکندن کتاب *معالم العترة النبویة* نبوده‌اند. علی‌رغم این که اربلی به واسطه سید جلال الدین موسوی مواردی را از جنابذی نقل می‌کند و می‌نویسد که اجازه روایت از جنابذی را سید جلال الدین به وی داده است (اربلی، ۳۵۳/۱، ۴۹۷)، ولی این موارد از کتاب *معالم العترة النبویة* نیست بلکه منقول از منابع دیگر است.

در میان نویسندگان شیعی پس از جنابذی، تنها اربلی که یک تا ده سال پس از وی به دنیا آمده و فاصله زمانی زیادی با وی نداشته، این کتاب را در اختیار داشته و مواردی از آن نقل کرده است. دیگر نویسندگان شیعی که روایات جنابذی را نقل نموده‌اند همه به واسطه *کشف الغمه* اربلی است. در میان دانشمندان اهل سنت نیز سهمودی (د ۹۱۱ ق) این کتاب را در اختیار داشته و مواردی از آن نقل نموده است.

برخی نویسندگان بعدی اهل سنت نیز به واسطه سمهودی از جنابذی نقل کرده‌اند. موارد استفاده از معالم العترة جنابذی در منابع بعدی، در دو دسته منابع شیعی و منابع اهل سنت عرضه می‌شود:

منابع شیعی

۱. اربلی (د ۶۹۲ ق)، در کشف الغمه: اربلی کتاب جنابذی را در اختیار داشته و آن را به اجازه تاریخ نگار شهیر تاج الدین علی بن انجب بن ساعی شافعی (د ۶۷۴ ق) و او از مصنف کتاب یعنی جنابذی نقل کرده است (اربلی، ۴۲۷/۱؛ ذهبی تصریح می‌کند که ابن ساعی راوی از ابن اخضر بوده است: (ذهبی، تاریخ الاسلام، ۱۶۱/۵۰). اربلی در کشف الغمه روایات جنابذی را معمولاً یکجا و پشت سر هم در قسمت مربوط به هر امام آورده است که در برخی موارد حجم آن به چندین صفحه می‌رسد. نقل طولانی از جنابذی، اربلی را واداشته، برای آگاهی دادن به خواننده، در پایان هر نقل، تصریح کند که پایان مطالب نقل شده از جنابذی کجاست تا خواننده دچار اشتباه نشود (اربلی، ۶۴۴/۲). چنان که اربلی خود می‌گوید، گاه عین عبارت جنابذی را نقل نکرده، بلکه آن را مختصر کرده است (همو، ۴۸۳/۱). حجم مطالب نقل شده از جنابذی در کشف الغمه حدود شصت صفحه است. نقل اربلی از جنابذی به اندازه‌ای چشمگیر بوده که نویسندگان بعدی مانند شیخ عباس قمی (د ۱۳۵۹ ق)، هنگام یادکرد از جنابذی، تأکید می‌کنند که مطالب وی مورد استفاده بسیار اربلی قرار گرفته است (قمی، ۲۰۹/۱). کتاب معالم العترة به صورت مسند بوده است، اما اربلی تنها یک یا دو نام از ابتدای سند را نقل کرده و از آوردن سند کامل پرهیز کرده است. البته اربلی گاه مواردی که جنابذی مسند مطلب را به صورت نقل ننموده، یاد کرده و تصریح نموده که آن نقل به صورت مرفوع است (اربلی، ۴۷۹/۱) و در مواردی که مسند بوده ضمن حذف پاره‌ای از سند با آوردن تعبیر «باسناد...» مسند بودن روایت را یادآور گشته است. نویسندگان دیگری که مطالب جنابذی را به واسطه اربلی نقل کرده‌اند عبارتند از:

- ابن صباغ مالکی (د ۸۵۵ ق)، در *الفصول المهمة*، ۸ مورد از جنابذی نقل کرده است. موارد نقل شده همان مواردی است که اربلی از کتاب *معالم العترة* نقل کرده است. البته ابن صباغ منبع مورد استفاده خود را یاد نکرده و به خواننده چنین القا می‌کند که خود مستقیم از کتاب *معالم* نقل می‌کند و حال آن که چنین نیست بلکه در این مورد و در موارد دیگر از کتاب اربلی رونویسی کرده است.^۱
- حر عاملی (د ۱۱۰۴ ق)، در *اثبات الهداة* این کتاب را از جمله منابع عامه که به صورت غیر مستقیم از آن نقل می‌کند برشمرده (حر عاملی، ۵۵/۱) و پنج مورد از آن را به واسطه کشف الغمه اربلی نقل کرده است.
- مواردی که سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ ق) در *حلیة الأبرار* از جنابذی نقل می‌کند، چنان که خود تصریح می‌نماید از کشف الغمه اربلی و یا *الفصول المهمة* ابن صباغ مالکی است (بحرانی، *حلیة الأبرار*، ۲۴۱/۴، ۶۰۲). همچنین است موارد نقل شده در *عوامل العلوم* شیخ عبد الله بحرانی (قرن دوازدهم) که از کشف الغمه نقل می‌شود.
- مجلسی (د ۱۱۱۱ ق)، نیز در *بحار الانوار* بیش از ۲۵ مورد از جنابذی نقل می‌کند که این موارد به واسطه کتاب کشف الغمه است.
- یک مورد که در کتاب *التتمة فی تواریخ الأئمة* نوشته تاج الدین بن علی الحسینی العاملی (قرن ۱۱) از جنابذی نقل شده است نیز هر چند نویسنده از منبع خود یاد نمی‌کند، اما از کشف الغمه اربلی است زیرا پس از مطلب نقل شده عینا همان نتیجه‌گیری را که اربلی بدان رسیده نقل می‌کند (حسینی عاملی، ۶۶).
- مواردی نیز که ماحوزی (د ۱۱۲۱ ق)، در کتاب *الأربعین* از جنابذی نقل می‌کند، به تصریح خود از کتاب *الفصول المهمة* ابن صباغ مالکی است (ماحوزی، ۲۴۳، ۳۰۷).

۱. رونویسی ابن صباغ مالکی در *الفصول المهمة* از کشف الغمه اربلی، با بررسی مقایسه‌ای این دو کتاب آشکار می‌شود. در این باره بنگرید به مقاله جویا جهانبخش در *آینه میراث*، شماره ۱۸، ۱۹ ص ۴۴، سال ۱۳۸۱، با عنوان «تألیفی رنگ آمیز و تصحیحی شوق انگیز». نگارنده این سطور نیز به تفصیل مقایسه میان این دو کتاب را انجام داده و موارد اخذ و اقتباس را مشخص کرده است.

سه موردی که شبلیجی (قرن سیزدهم) در نور الابصار نقل کرده است (شبلیجی، ۱۷۷، ۲۵۵، ۳۰۳)، به رغم آن که منبع خود را ذکر نکرده، با توجه به مشابهت تعبیرها به نظر می‌رسد از کشف الغمه اربلی استفاده کرده باشد. دو مورد از موارد یاد شده در جواهر العقلمین نیز به همان گونه یافت می‌شود، اما یکی از موارد تنها در کشف الغمه آمده ولی در جواهر العقلمین موجود نیست (همانجا). با توجه به این مورد استفاده وی از کشف الغمه اربلی تقویت و تأیید می‌شود.

منابع جدیدتر مانند اعیان الشیعه محسن امین (د ۱۳۷۰ق)، و شرح احقاق الحق مرعشی نجفی (د ۱۳۶۹ش)، مواردی که از جنابذی نقل کرده‌اند، معمولاً از کتاب کشف الغمه اربلی است.

۲. عبدالکریم بن طاووس (د ۶۹۳ ق)، در فرحه العری. وی در این کتاب سه مورد از جنابذی نقل می‌کند که این موارد در باره تعیین محل قبر امام علی (ع) است. این موارد را عبد الکریم بن طاووس به واسطه شیخ عبد الرحمن بن احمد حربی حنبلی از جنابذی نقل می‌کند ولی هیچ یادی از این که موارد برگرفته از کتاب معالم العترة النبویه باشد، نمی‌کند و قرینه‌ای نیز بر آن وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان این موارد را برگرفته از معالم العترة النبویه جنابذی دانست بلکه از دیگر نوشته‌های جنابذی بوده که به شاگرد خویش منتقل کرده است.

منابع اهل سنت

برخی منابع اهل سنت از جنابذی مواردی به شرح زیر نقل کرده‌اند:

۱. سمهودی (د ۹۱۱ ق)، در جواهر العقلمین، سه قرن پس از تدوین کتاب معالم العترة النبویه. این کتاب در اختیار سمهودی بوده و ۱۸ مورد از آن نقل کرده است. سمهودی در برخی موارد به صورت مقایسه‌ای از آن نقل می‌کند چنان که در بیشتر موارد به نام کتاب تصریح می‌کند. هر چند ساختار کتاب جواهر العقلمین که بر اساس موضوعاتی همچون تفضیل اهل بیت، شرف و محبت به اهل بیت است با ساختار معالم

العترة که بر اساس ذکر نام معصومان است متفاوت می‌باشد. برخی منابع اهل سنت که گزارش‌هایی را از جنابذی نقل کرده‌اند به واسطه جواهر العقدين سمهودی بوده است. هفت موردی که قندوزی (د ۱۲۹۴ق)، در ینابیع الموده از جنابذی نقل می‌کند همه به واسطه جواهر العقدين سمهودی است. چنان که میرحامد حسین (د ۱۳۰۶ق) در عقبات الانوار به واسطه همین کتاب نقل می‌کند (میرحامد حسین، ۴۳۳/۱۸).

منابع دیگر اهل سنت برخی روایات را از جنابذی نقل کرده‌اند که این موارد برگرفته از کتاب معالم العترة النبویه نیست بلکه از صحیح ترمذی است که روایت‌گر آن جنابذی بوده است. این موارد به شرح زیر است:

- گنجی شافعی (د ۶۵۸ ق) در کفایة الطالب. اولین نویسنده از میان اهل سنت که پنج مورد از جنابذی نقل کرده، گنجی شافعی در کفایة الطالب است که این موارد را با یک واسطه به نام باذرائی از جنابذی نقل می‌کند، اما هیچ اشاره‌ای به کتاب معالم العترة النبویه نمی‌کند و به احتمال همه موارد نقل شده، مربوط به قرائت نسخه‌ای از کتاب ترمذی بوده که جنابذی واسطه در نقل آن بوده است. چنان که در بخش پایانی این اسناد نام ترمذی موجود است و این نشانگر آن است که این موارد را از جامع ترمذی نقل کرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که موارد یاد شده در کفایة الطالب، از معالم العترة نیست، بلکه از کتاب ترمذی است که به روایت جنابذی در آمده است. قرینه بر این مطلب آن است که گنجی هیچ یادی از کتاب معالم العترة نمی‌کند.

- ابن ابی جراده (د ۶۶۰ ق) در بُغیة الطلب به گونه مکاتبه^۱ مطلبی را از جنابذی در باره فضل و برتری قسّسین نقل می‌کند (ابن ابی جراده، بغیة الطلب، ۱۳/۱) که سند این روایت به ترمذی می‌رسد و قاعدتاً از معالم العترة النبویه که موضوعش شرح حال ائمه است، گرفته نشده است.

۱. مکاتبه از روشهای تحمل حدیث است و آن بدین گونه است که شیخ حدیث را به خط خود برای شخص دیگری نوشته و ارسال نماید یا دیگری را مکلف نماید که از طرف وی چنین کند (صبحی صالح، ۹۷).

- حمویی (د ۷۳۰ ق) در *فرائد السمطين* با یک واسطه، از جنابذی سه روایت در فضایل امام علی نقل می‌کند. این موارد نیز همه از صحیح ترمذی است که جنابذی در مسیر نقل آن قرار گرفته است. در یکی از اسناد، حمویی نقل می‌کند که صحیح ترمذی را به گونه سماع در سال ۶۷۲ از عبد الله بن قاسم شنیده که وی نیز از جنابذی نقل می‌کرده است (حمویی، ۱/۱۱۷). موارد یاد شده هیچ کدام از کتاب *معالم العترة النبویه* نبوده و هیچ یادی از این کتاب نمی‌شود. همچنین مواردی که سید هاشم بحرانی (د ۱۱۰۷ ق) در *غایة المرام* از جنابذی نقل می‌کند (بحرانی، ۲/۶۴؛ ۵/۹۷)، به واسطه کتاب *فرائد السمطين* حمویی است.

- جزری (د ۸۸۳ ق)، نویسنده *أسنى المطالب*، حدیثی از امام علی (ع) نقل می‌کند که در میانه آن نام جنابذی وجود دارد (جزری، ۷۹)، اما قرینه‌ای که نشان دهد مورد نقل شده از *معالم العترة النبویه* است، وجود ندارد.

وجود نام جنابذی در شمار سلسه مشایخی که ابن حجر (د ۸۵۲ ق)، از طریق آن جامع ترمذی را قرائت و روایت کرده (ابن حجر، ۵/۴۴۹)، خود گواه این است که یکی از راویان اصلی این کتاب جنابذی بوده است. و روایات نقل شده از وی در کتاب‌های اهل سنت، بیشتر مربوط به روایت‌گری جامع ترمذی است نه کتاب *معالم العترة النبویه*.

تاریخ‌نگاری جنابذی

بر اساس موارد بر جای مانده از جنابذی می‌توان در باره کتاب جنابذی و تاریخ‌نگاری وی به مطالب زیر دست یافت:

- موضوع کتاب *معالم العترة النبویه* در باره ائمه شیعه (ع)، حضرت فاطمه (س) و خدیجه (س) است. در باره رسول خدا مطالب اندکی اختصاص یافته است. تعدادی روایت از جنابذی در باره پیامبر باقی مانده که معلوم نیست این موارد از *معالم العترة النبویه* نقل شده باشد زیرا تصریحی به کتاب وی نشده است. چنان که موارد نقل شده از جنابذی در موضوع زندگانی امام علی (ع) - بر اساس آنچه کشف الغمه نقل کرده -

اندک است و مجموعاً در کشف الغمه از جنابذی در این موضوع سه خبر نقل شده است که یک خبر آن نیز می‌تواند از بخش مربوط به فاطمه زهرا باشد. همچنین جنابذی در این کتاب شرح حال یازده امام را ثبت کرده و از پرداختن به شرح حال امام دوازدهم چنان که اشاره خواهد شد، پرهیز کرده است. درباره علت نپرداختن زیاد به زندگانی امام علی، می‌توان دو احتمال را مطرح کرد، اول این که کتاب معالم العترة النبویه بخش مربوط به امام علی را نداشته چنان که بخش مربوط به امام زمان نیز در آن نبوده است که این احتمال صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا اغلب کتاب‌هایی که به شرح حال ائمه و فاطمه زهرا(س) پرداخته‌اند، ابتدا شرح حال امام علی(ع) را نوشته‌اند. احتمال دوم این که بخش امام علی(ع) در آن موجود بوده اما چون در زمینه زندگانی آن امام کتاب‌های فراوان و مفصل - مانند مناقب خوارزمی(د ۵۶۸ ق)، که قدمت بیشتری داشته‌اند - در اختیار اربلی بوده، از آنها برای تدوین زندگانی امام علی(ع) استفاده کرده و سراغ منابع متأخر مانند نوشته جنابذی نرفته و به ندرت اخباری از آن را در زمینه زندگانی امام علی درج کرده است.

ساختار کتاب بر اساس نام ائمه است و برای هر یک از ائمه شرح حالی تهیه شده است. شرح حال‌ها در معالم العترة جنابذی دارای اجزایی چنین است: اطلاعات و گزارش‌های زمانی مانند زمان ولادت و وفات، احادیث مربوط به فضایل و مناقب، بیان رخدادها و گزارش‌های تاریخی، فرزندان و نسل امام، سخنان و روایان از امام.

شرح حالی که جنابذی به امام نهم، دهم و یازدهم اختصاص داده مانند منابع دیگر اندک است. بر اساس گزینش اربلی - که به نظر می‌رسد تمام آن چیزی است که جنابذی در معالم و در شرح حال این سه امام آورده است - گزارش‌های مربوط به شرح حال امام جواد در پنج صفحه تنظیم شده است که چهار صفحه آن نیز سخنان امام جواد است و مربوط به نقل حوادث تاریخی و یا شرح حال نیست (اربلی، ۸۵۹/۲). چنان که کل اطلاعات درج شده در باره امام علی النقی(ع)، نصف صفحه است (همو، ۸۸۵/۲)،

و شرح حال امام حسن عسکری(ع) حدود یک صفحه است (همو، ۹۱۰/۲)، که احتمالاً در منبع اصلی (معالم العترة) نیز گزارش‌های مربوطه به این امامان به همین میزان بوده است، زیرا اربلی معمولاً مطالب مربوط به هر امام را یکسره و پیوسته از معالم العترة نقل می‌کند.

نکته مهم دیگر در باره معالم العترة این است که کتاب فاقد شرح حال امام مهدی(عج) بوده است. اربلی پس از نقل گزارش جنابذی در باره امام حسن عسکری(ع) که در حدود یک صفحه است می‌نویسد: تم کتاب معالم العترة و الحمد لله (اربلی، ۹۱۰/۲). ناتمام گذاشتن شرح حال ائمه و نپرداختن به شرح حال حضرت مهدی از سوی جنابذی نشانگر تردیدهای وی در باره حضرت مهدی بدان گونه که شیعیان به آن حضرت اعتقاد دارند، بوده است. چنان که نویسندگان منطقه شامات در قرن هفتم همچون ابن کثیر (۱۵۳/۱، ۲۴۸/۶) و ذهبی (۱۵/۲۰) چنین تردیدهایی را ابراز کرده‌اند. این رویه جنابذی مورد اعتراض اربلی قرار گرفته است.

-تاریخ‌نگاری جنابذی تاریخ‌نگاری حدیثی روایی است و بیشتر از منابع حدیثی برای تدوین کتاب خویش بهره برده است. بر اساس موارد برجای مانده، از جمله منابع جنابذی در تدوین کتاب خود، جامع ترمذی و حلیه الاولیاء بوده است.

- تاریخ‌نگاری جنابذی به لحاظ محتوا کمتر آمیخته به غلو و داستان شده و مناقب نقل شده برای ائمه، مناقبی نیست که از ایشان چهره‌ای فوق بشری بسازد. و آنچه با این دیدگاه نقل شده اندک است. یکی از موارد چنین است که جبرئیل به صورت دحیه کلبی در جنگ بدر چندین بار به کمک امام علی می‌شتابد و آن حضرت را که در اثر ضربات دشمن به زمین خورده، بلند می‌کند(اربلی، ۲۰۷/۱). جنابذی در تاریخ امام حسین(ع) نیز مواردی از رخ دادن حوادث غیر طبیعی پس از شهادت آن حضرت را نقل می‌کند، مانند پیدا شدن خون تازه زیرسنگ‌های بیت المقدس و برخورد ستاره‌ها

با یکدیگر و محو شدن قطعه طلایی از متاع به غارت رفته امام حسین (ع) که زرگری در صدد تبدیل آن بود و شنیده شدن نوحه جنیان بر حسین (ع) (همو، ۵۹۷/۱).

در موارد نقل شده از جنابذی، زندگانی ائمه ارتباط چندانی با صحابه‌ای که مورد تکریم اهل سنت اند، نیافته است. وی برخی مثالب صحابه مانند معاویه را در گزارش‌های اندک به طور ضمنی نقل کرده است. نمونه آن گزارشی است که بر اساس آن معاویه تلاش می‌کند تا از نسبت دادن امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به پیامبر جلوگیری نموده و آنان را به علی (ع) منسوب کند، و حال آن که معاویه، فرزندان دخترش را به خود منسوب می‌داشت (همو، ۵۱۵/۱). البته همچون دیگر نویسندگان اهل سنت، برای نشان دادن پیوند میان ائمه و خلفای نخست، در شرح حال امام صادق (ع) سخن مشهور آن حضرت بر این که ابوبکر او را دو بار زاده است، نقل می‌کند (همو، ۶۹۷/۲). چنان که گزارشی از اظهار محبت ابوبکر به امام حسن (ع) ثبت می‌کند که بیانگر روابط نیک میان ابوبکر و امام علی (ع) است (همو، ۴۹۲/۱).

جنابذی در معرفی ائمه به سخنان آنان توجه بسیاری کرده است. وی این جنبه از زندگانی ائمه را برجسته نموده و توجه مضاعفی به سخنان ایشان کرده است. به این ترتیب او از منظر سخنان ائمه تلاش کرده تا آنان را به صورت معقول معرفی نموده و دانش و اخلاق ایشان را نشان دهد. او از خلال اعجاز و کرامات به زندگی ائمه پرداخته است.

با این که جنابذی تلاش کرده تا در نگارش کتاب خویش به معتقدات شیعیان و اهل سنت تعرضی نکند، گزارشی نقل نموده که می‌توانسته مورد توجه عده‌ای از شیعیان که پی‌گیر منازعات مذهبی هستند، قرار گیرد. جنابذی به نقل از ابن حَمَّاد گزارشی نقل می‌کند که سن خدیجه را هنگام ازدواج با رسول خدا - بر خلاف معمول - ۲۸ سال دانسته است (همو، ۴۸۱/۱). در مورد دیگر نیز همین خبر را به نقل از ابن عباس ثبت کرده است (همو، ۴۸۲/۱). این روایت می‌تواند، دختر بودن خدیجه هنگام

ازدواج را تقویت نموده و بدین ترتیب، فضیلت انحصاری عائشه را که بدان افتخار می‌کرد، زیر سؤال برد.

در منابع اهل سنت مانند جواهر العقدين، در باره امام باقر و ائمه پس از ایشان از جنابذی مطلبی نقل نشده است. تنها کشف الغمه این بخش‌ها را انعکاس داده است که این نشان‌گر کم توجهی به ائمه پس از امام صادق(ع) در منابع اهل سنت است. منابع جنابذی در برخی موارد روشن نیست. او دعایی نسبتاً بلند را از امام سجاد(ع) نقل می‌کند که در منابع دیگر از جمله صحیفه سجادیه یافت نمی‌شود (همو، ۶۴۰/۲). چنان که برخی مطالب وی نادرست است که اربلی این موارد را یاد کرده است. از جمله آگاهی‌های وی در باره فرزندان امام حسین(ع)، کاستی دارد (همو، ۵۸۲/۱). چنان که اربلی حضور امام سجاد(ع) در مسجد کوفه و خواندن دعا و نماز در آن را که جنابذی نقل کرده، رد کرده است (همو، ۶۴۲/۲).

نتایج

از این بررسی نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. بعضی از نویسندگان شیعی پرهیزی در استفاده از کتاب‌های نوشته شده از سوی اهل سنت نداشته‌اند و از کتاب‌های آنان استقبال کرده‌اند. چنان که اربلی حجم قابل توجهی از کتاب معالم العترة را در کتاب خود، کشف الغمه، جای داده است.
۲. محتوای کتاب‌های نوشته شده اهل سنت در موضوع زندگانی دوازده امام، در بیشتر موارد همخوان با عقاید شیعیان است و به ندرت گزارش‌هایی یافت می‌شود که ناسازگار با عقاید شیعیان باشد، به طور معمول این موارد به کتاب‌های شیعی راه نیافته و حذف شده است.

۳. توجه به کرامات ائمه و نقل اخبار غیر عادی در باره ایشان، اختصاص به منابع شیعی ندارد، بلکه منابع اهل سنت نیز این موارد را نقل کرده‌اند، چه بسا که این موارد از منابع سنی به منابع شیعی راه یافته باشد.

۴. جنابذی همچون برخی دیگر از نویسندگان فضایل نویس اهل سنت، به اختلاف‌های میان ائمه و خلفای وقت پرداخته است. از این رو هیچ اشاره‌ای به اختلاف‌ها و مباحثات پیش آمده، پس از درگذشت رسول خدا میان خاندان امامت و اصحاب سقیفه نمی‌کند و از اقدامات فاطمه زهرا(س) و مناسبات وی با خلفا گزارشی نقل نمی‌نماید، زیرا اگر چنین مطالبی در کتاب جنابذی وجود داشت، اربلی آنها را منعکس می‌کرد.

کتابشناسی

آقا بزرگ طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.

ابن ابی یعلی، محمد، *طبقات الحنابلة*، بیروت، دار المعرفة، بی تا.

ابن الأثیر، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر - دار بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.

ابن حجر عسقلانی، *تغلیق التعلیق*، به کوشش سعید عبد الرحمن موسی القزقی، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ق.

ابن دبیتی، محمد بن سعد، *ذیل تاریخ مدینة السلام*، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۷ق.

ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد، *طبقات الحنابلة*، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.

ابن سید الناس، *عیون الأثر*، بیروت، موسسه عز الدین، ۱۴۰۶ق.

ابن العدیم، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، بی تا.

ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ، *البدایة و النهایة*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ق.

ابن مفلح، برهان الدين إبراهيم بن محمد (د ۸۸۴ ق)، *المقصد الأرشد في ذكر أصحاب الإمام أحمد*، به كوشش عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، رياض، مكتبة الرشد، ۱۴۱۰ق.

اربلي، *كشف الغمة في معرفة الأئمة*، قم، رضى، ۱۴۲۱ق.

اسماعيل پاشا البغدادى، *هدية العارفين*، بيروت، دار إحياء التراث، ۱۹۵۱م.

بحرانى، سيد هاشم، *حلية الأبرار*، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، ۱۴۱۱ ق.

_____ *غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و*

العام، به كوشش سيد على عاشور، بيروت، مؤسسه التاريخ العربى، ۱۴۲۲ ق.

الجزرى، شمس الدين محمد بن محمد بن محمد بن محمد، *أسنى المطالب (مناقب الاسد*

الغالب ممزق الكتاب و مظهر العجائب)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.

حاجى خليفه، مصطفى بن عبد الله، *كشف الظنون*، بيروت، دار احياء التراث العربى،

بى تا.

حر العاملى، محمد بن حسن حر، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بيروت،

موسسه الاعلمى، ۱۴۲۵ق.

حسينى عاملى، سيد تاج الدين، *التتمة في تواريخ الأئمة عليهم السلام*، قم، بعثت،

۱۴۱۲ ق.

حموى شافعى، ابراهيم بن سعد الدين، *فرائد السمطين*، بيروت، مؤسسه المحمودى،

۱۴۰۰ ق.

ذهبى، *تاريخ الاسلام*، به كوشش عمر عبد السلام تدمرى، بيروت، دار الكتاب

العربى، ۱۴۱۸ق.

_____ *تذكرة الحفاظ*، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه،

۱۴۱۹ق.

_____ *سير اعلام النبلاء*، به كوشش شعيب الارناووط، بيروت، مؤسسه الرسالة،

۱۴۱۴ق.

سمهودى، على بن عبدالله، *جواهر العقدين فى فضل الشرفين*، به كوشش موسى بناى العليلى، بغداد، مطبعة العانى، ١٤٠٥ق.

السيوطى، جلال الدين عبدالرحمن، *بغية الوعاة فى طبقات اللغويين والنحاة*، به كوشش محمد أبو الفضل إبراهيم، صيدا، المكتبة العصرية، بى تا.
شبلنجى، مؤمن بن حسن، *نور الأبصار فى مناقب آل بيت النبى المختار* (ص)، قم، رضى، بى تا.

صبحى صالح، *علوم الحديث و مصطلحه*، قم، مكتبة الحيدريه، ١٤١٧ق.
قمى، شيخ عباس، *الكنى و الالقاب*، به كوشش محمد هادى الامينى، تهران، مكتبة الصدر، بى تا.

كحاله، عمر رضا، *معجم المؤلفين*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.
ماحوزى، *كتاب الاربعين*، به كوشش سيد مهدي رجائى، قم، امير، ١٤١٧ق.
مزى، *تهذيب الكمال*، به كوشش بشار عواد معروف، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.

مناوى، *فيض القدير*، به كوشش أحمد عبد السلام، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق.

ميرحامد حسين، *عقبات الانوار فى امامة الائمة الاطهار*، اصفهان، كتابخانه عمومى امام امير المومنين على عليه السلام، ١٣٦٦ ش.
ياقوت حموى، شهاب الدين ابو عبد الله، *معجم البلدان*، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م.